



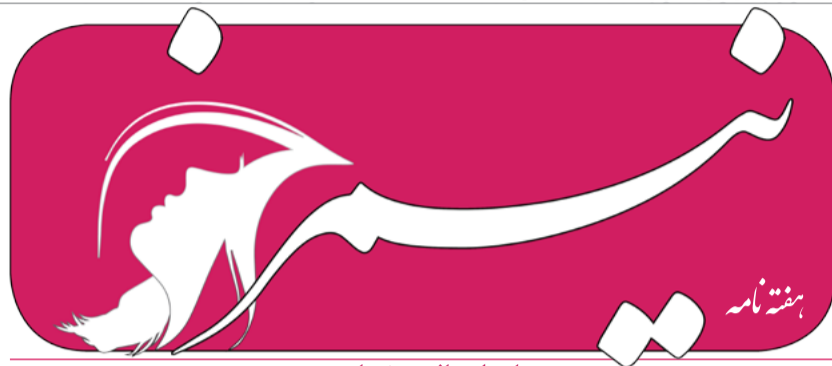
فاطمه خاوری دریافت کننده جایزه صلح مارتین لوتر کینگ در سال ۲۰۱۸ این جایزه معتبر، پس از سال ۲۰۰۵، در پانزدهم جنوری که مصادف با زاد روز مارتین لوتر کینگ است، سالانه به کسانی اهدا می‌گردد که در راستای صلح، آزادی، عدالت و همبستگی مبارزه کرده باشند.

جایزه صلح سال ۲۰۱۸ مارتین لوتر کینگ را خانم فاطمه خاوری، بانوی جوان افغانستانی که برای حقوق پناهنجویان در این کشور، بزرگترین حرکت مدنی و دادخواهی جوانان را در سویدن مدیریت کرده بود، به دست آورد.

مارتین لوتر کینگ، یکی از اسطوره‌ها، در تاریخ مبارزه عدالت‌خواهی بشری است که در قاره آمریکا، یک ملت بزرگ را از محرومیت تاریخی نجات داد.

## میکانیزمی برای جریان سازی جنسیت

- سال اول
- شماره ۲۰
- دوشنبه
- ۲ دلو ۱۳۹۶
- قیمت ۱۰ افغانی
- Monday
- January 22, 2018
- Vol. 1
- No. 20



اینجا، چراغی روشن است

اگر زنان رسوم و قوانین جامعه را زیر پا می‌گذارند چندان هم گناهکار نیستند، زیرا که این قوانین را مردان نوشته‌اند.

مونتین



## باهمی زن و مرد؛

# گامی به سوی جامعه مدرن

اگر مرد و زن به عنوان انسان‌های که هر دو در یک شاه راه زندگی قرار دارند و برای بهتر زیستن تلاش کنند، هم‌دیگر را حمایت کنند، با هم موفق می‌شوند و این باهمی است که می‌تواند ما را به یک جامعه‌ی مرفه و توسعه یافته برساند.

— ۳ —

## رویکرد نیمه‌جمعه

### سرانجام زنان عربستانی به آرزوی خود رسیدند

«فدراسیون فوتبال عربستان چند وقت پیش قانونی را به تصویب رساند و به موجب آن اجازه داده شد تا زنان در این کشور هم به ورزشگاه بروند و بازی‌های تیم‌های مورد علاقه خود را از نزدیک تماشا کنند».

سرانجام زنان عربستانی به آرزوی خود رسیدند و تلاش آن‌ها برای حضور در ورزشگاه‌ها پاسخ داد. حضور زنان عربستان در ورزشگاه با تازان جهانی داشت. بسیاری از رسانه‌ها از چنین روزی به عنوان تاریخی‌ترین روز فوتبال عربستان یاد کردند. جشن روز ملی عربستان در حالی برگزار شد که برای اولین بار زنان عربستانی اجازه حضور در ورزشگاه را پیدا کردند. آن‌ها در این جشن در کنار دیگر اعضای خانواده‌شان در ورزشگاه حضور داشتند و در این جشن ملی شرکت کردند. به گزارش شفقنا افغانستان به نقل از السبیل، مسوولین ورزشی عربستان برای امکان حضور زنان در ورزشگاه‌های فوتبال پنج شرط اساسی قرار داده‌اند که به ترتیب ذیل است:

۱. همراه با خانواده باشند.
  ۲. برای خانواده‌ها مکان جداگانه‌ای آماده شود.
  ۳. هیچ نوع اختلاطی با مردان در ورزشگاه ایجاد نشود.
  ۴. اختصاص دادن پارکینگ و محل ورود و خروج ویژه برای بانوان.
  ۵. برای آنان خدمات بهداشتی زنانه در نظر گرفته شود.
- اگرچند زنان در عربستان توانستند به ورزشگاه راه پیدا کنند اما با در نظر داشت قوانین که برای حضورشان در صحنه گذاشته‌اند گفته می‌توانیم که تا به هنوز ابتدایی‌ترین قدم برای دسترسی زنان حتی به حقوق اولیه‌شان برداشته نشده است.

در طول سال‌های متمادی در کشورهای جهان سوم و جوامع اسلامی زن مظلوم واقع شده و حقوق انسانی وی از او سلب گردیده است. نقش زنان در جامعه اسلامی در ارتباط مستقیم با نظام اسلامی مشخص می‌گردد. در این سیستم توجه به کمیت‌ها و بررسی حقوق زنان بر مبنای کمی، ارزش حقیقی آن را بیان نمی‌کند، بلکه نسبت تاثیر زنان در پیشبرد جامعه به سوی اهداف متعالی، مقیاس سنجش حقوق آنان است و از آن‌جا که اجزای هیچ مجموعه‌ای از حیث کمی و کیفی در رتبه‌های یک‌سان قرار ندارند، برای توسعه‌ی جامعه نیز افراد اعم از زن و مرد می‌توانند، نسبت تاثیر خود را در مجموعه بر اساس جایگاه خود افزایش دهند.

در عرصه‌ی احقاق حقوق زنان، تلاش جوامع بین‌المللی تا کنون در جهت تأمین مشارکت بیش از پیش زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً افزایش نسبت تاثیر آنان در رشد ناخالص ملی و توسعه‌ی اقتصادی بوده است. حتی حضور زنان در صحنه‌ی سیاسی و اشغال مناسب حساس سیاسی، تنها گامی در جهت برابر کردن زنان و مردان به لحاظ کمی و ظاهری می‌باشد. (که حتی در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته هم موفق نبوده است) با چنین تعریفی از مفهوم برابری، اعلام عقب ماندگی و عدم رعایت حقوق زنان در کشورهای به اصطلاح «جهان سوم» و کشورهای اسلامی، امری طبیعی است. هر چند که زنان در این کشورها، خود را در موضعی متعادل با مردان ببینند و یا در موضع ایفای نقشی موافق با ساخت فطری خود در آرامش به سر برند لذا جای تردید است که برای سنجش دست یابی به حقوق زنان، مدل‌ها و معیارهای کمی موجود کفایت نماید. با در نظر داشت تمام این کمی و کاستی‌ها اما می‌توان همین روزنه‌ی کوچک (حضور زنان عربستان در ورزشگاه) را به عنوان نخستین جرعه برای یک تغییر اساسی در نظر گرفت.

پسران تا نا وقت شب در فضای دانشگاه می‌گردند. این مسئله هم‌چون ابری سیاه و طوفان‌زای بود بر روان صاف دخترانی که با صد شور و شوق و اعتماد به نفس عالی وارد دانشگاه می‌شدند. برای دختران این مسئله به صورت آشکار دعوتی بود به سوی پرده نشین شدن و هم‌چنان از آزادی خود گذشتن به خاطر راحتی یکی دیگر. در غیر این صورت اگر شب‌گردی‌های پسران در داخل دانشگاه برای دختران مشکل خلق می‌کند شرط و شروط رفت و آمد برابر برای دو طرف ایجاد نمایند نه این‌که تنها دختران را در خوابگاه زندانی کنند تا از سوی پسران دانشگاه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. خفقان و فشارهای روحی و روانی هزاران دانش‌جو در خوابگاه کابل، یکی از عواملی بود که من در روزهای آخر شاهد مرگ زهرای بودم که با صد مشکلات خودش را از دایکندی به کابل و از سال اول دانشگاه به سال آخر رسانده بود. باید یاد آوری نمایم که مرگ زهرا نمونه‌ای بسیار برجسته و آشکاری است از مرگ تدریجی و مشکلات روحی و روانی هزاران دانش‌جو در خوابگاه. طنین نوای مرگ زهرا توام است با نوای غم‌گین هزاران صدای خفته در فضای دانشگاه کابل که هر روز با مرگ رو به‌رو می‌شوند و قصه‌های اصلی شب و روزشان همان «مرگ تدریجی» است.

نمی‌دانند که دوربین یا آله‌ی موسیقی‌اش را داخل خوابگاه بیاورند. هر از گاهی اگر کسی به صورت پنهانی بنا به ضرورت که داشت کدام یکی از این‌ها را با خود می‌آوردند کارت‌شان را می‌گرفتند و اذیت می‌کردند که به وزارت برو... همیشه دروازه‌ی خوابگاه زود بسته و دیر باز می‌شد. به خاطر همین مسئله اکثریت دانش‌جویان از برنامه‌های آموزشی بیرون دانشگاه عقب می‌ماندند. به دختری که خبرنگار بود و نا وقت می‌آمد هزاران حرف می‌زدند. اذیت می‌کردند، کارت‌اش را می‌گرفتند و به وزارت معرفی می‌نمودند، در وزارت نیز وقتی مراجعه می‌نمود پس از توصیف سر تا پا که چه‌قدر جذابی، قد بلند داری، لباس‌هایت به تو خوب می‌گردد، ابروانت مثل ماه نواست و یک عالم حرف دیگر در نهایت فقط می‌گفتند: دیگه نا وقت نیایی!

اما، از بین تمام این‌ها آن‌چه تیشه به ریشه‌های فرصت‌های دختران می‌زد، قیوداتی باز و بسته نمودن دروازه بود. به خاطر این‌که آن‌ها هم از کورس‌ها و فرصت‌های آموزشی بیرونی می‌ماندند و هم این مسئله در کنار مشکلات دیگر به صورت بسیار ظریفانه و غیر قابل دید، اعتماد به نفس و روحیه‌ای آن‌ها را خورد و خمیر می‌نمود. قیودات در صورتی بود که می‌گفتند اگر شما نا وقت بیایید برای تان حتی در داخل دانشگاه مشکل خلق می‌شود چون



جامعه

کهریانه رها

### چهار سال زندگی در خوابگاه دانشگاه کابل

وقتی پس از یک سمستر و چند ماه اخراجی دوباره به خوابگاه رفتم همه چیز تغییر کرده بود. مدیره قبلی و معلمه اخراج شده و تمام کارمندان بیشتر از قبل مواظب رفتارشان بودند. چند نفری که دوباره برگشته بودیم با استقبال مدیره جدید خوابگاه رو به‌رو شدیم. مدتی گذشت و این‌بار متوجه شدم که قید و قیودات بدتر از قبل است. دختران در فضای که همه هم‌نوع خودشان بودند، همه روزه در صف غذا و فضای خوابگاه با اخطار این‌که چادر بیوش، مواظب رفتار ات باش، در مقابل هر کارمندی که می‌بینید سلام بدهید و هرگاه که معلمه به خاطر حاضری تان در اتاق‌ها می‌آیند از جای تان بلند شده سلام بدهید و... مواجه می‌شدند.

برعلاوه‌ی تمام این‌ها به دختران اجازه‌ی شنیدن موسیقی با صدای بلند نمی‌دادند، در موارد خاص کسی حق نداشت در اتاقش محفل بگیرد، به دختران که در بخش موسیقی و عکاسی درس می‌خواندند اجازه

<span>گفتنیروز</span>	
<div>یک گفتگوی آینه امید</div>	

## باهمی زن و مرد؛ گامی به سوی جامعه مدرن

اگر مرد و زن به عنوان انسان‌های که هر دو در یک شاه راه زندگی قرار دارند و برای بهتر زیستن تلاش کنند، مهدیگر را حمایت کنند، با هم موفق می‌شوند و این نوبسه یافته برساند.

مهدی ناقب لیسانس علوم سیاسی و ماستر روابط بین الملل است. او در مسایل فرهنگی، خبرنگاری و نویسندگی، مدت بیست سال است که قلم می‌زند و در چند سال اخیر بیش‌تر روی طنز اجتماعی و سیاسی کار می‌کند. در این اواخر هفتنامه‌ی را روی دست گرفته که به نوشتن طنز در جامعه و کشور می پردازد.

**کارکردهای زنان در مدت شانزده سال گذشته را، چه‌گونه بررسی می‌کنید؟ با توجه به فرصت‌ها و چالش‌های زنان چه‌قدر توانسته‌اند نقش جدی و برجسته داشته باشند؟** زمانی که ما به کابل آمدم، شرایطی سقوط طلبانه در آن زمان، حضور کم‌رنگ و پر اضطراب بود. خاتم‌ها در ادارات هم چادری می‌پوشیدند. آقایان با ریش‌های بلند می‌آمدند. اما

<div>ادامه از صفحه ۴</div>
<div><div><span><span>یک</span> <span>رحمان احمدی</span></span></div></div>

## نگرش تاریخی در مورد زنان

این جاست که مردم شناسان درست خلاف آن‌را از روی مطالعات و کندکاوهای محققانه با اتکا به علم باستان شناسی می‌گویند، این طبیعت نبود بلکه جامعه‌ای طبقاتی مسول تا برابری جنسیتی می‌باشد. چنان‌چه «بولین رید» در این مورد آورده است که «در این جامعه طبقاتی بود نه طبیعت که زنان را از حق شرکت در وظایف برتر اجتماعی محروم کرد و تاکید اصلی برای وظایف حیوانی – مادری گذاشت. این دست برد به زنان با استفاده از یک افسانه دوگانه اجرا شد. از یک سو مادری، نمایان‌گر بلایی بیولوژیکی بود که از اندام‌های زاینده زنان بر می‌خاست و ازسوی دیگر همه با این ماتریالیسم

نمودند. و همین مردان در فضای باز اجتماعی با اصول کاملن تعریف شده توانستند که فعالیت داشته باشند.

اکثریت باور دارند که شانزده سال فرصتی خوبی برای زنان بود تا با کسب دانایی و توانایی، تجارب و تخصص، بتوانند در جامعه تاثیر گذار باشند؛ شما این نقش را چه‌قدر جدی ارزیابی می‌کنید؟ گذشته کار کردن، در مقابل کثرویی‌ها صدا بلند کردند و زمینه ساز فعالیت بانوان جوان امروز شدند تا این بانوان بتوانند با گسترده‌گی بیش‌تر، حرف‌هایی خود را داشته باشند. ما امروز می‌بینیم که اعتراضات بسیار خوبی می‌شوند؛ زنان قلم می‌زنند، مدیریت می‌کنند، زنان در پست‌های بسیار مهم حکومتی کار می‌کنند و حرف خود را دارند. این نشان دهنده‌ی آن است که در پانزده سال گذشته، زنان کارهای لازم را انجام داده اند تا به این‌جا رسیده‌اند.

**دیدگاه مردان جامعه نسبت به حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چه‌گونه است؟** مردان سنتی، محافظه کار و آن‌هایی که مخالف حضور زنان هستند و این مخالفت را رنگ و بوی دینی می‌دانند. طبیعتن کار شکنی‌هایی انجام می‌دهند و در مقابل، طبیعی‌دیگری که زن باشد، انعام می‌گیرند. اما مردان تنها در این‌خلایفه نمی‌نمود. مردایی‌هستند که برای قوت پیش‌تر زنان، برای احقاق حقوق آن‌ها، و برای قوت بخشیدن به مبارزه‌ی سیاسی زنان، امده‌اند. در کنار خاتم‌ها ایستادند و هم‌گام و همراه با آنان مبارزه در

<div>صاده باوری</div> <div>عامیانه، مادر بودن را چیزی رمز آسبز نماییانند(همان: ۵۶)</div>
<div><div><span><span>هر</span> <span>چند</span> <span>همان</span> <span>طوره</span> <span>که</span> <span>بنیان</span> <span>گذاران</span> <span>فلسفه</span> <span>علمی</span> <span>در</span> <span>این</span> <span>پیرامون</span> <span>سخن</span> <span>چندی</span> <span>بیان</span> <span>کرده</span> <span>اند</span>، <span>همه</span> <span>ساعت</span> <span>خواه</span> <span>در</span> <span>گذشته</span> <span>و</span> <span>با</span> <span>حال</span> <span>بر</span> <span>پایه</span> <span>کار</span> <span>بنا</span> <span>شده</span> <span>و</span> <span>مرد</span> <span>بنابراین</span> <span>تنها</span> <span>توانایی</span> <span>زنان</span> <span>در</span> <span>رژس</span> <span>نبودند</span> <span>که</span> <span>نقش</span> <span>سرویش</span> <span>سازی</span> <span>را</span> <span>بازی</span> <span>کرد</span>، <span>چون</span> <span>حیوانات</span> <span>ماده</span> <span>بیش</span> <span>کار</span> <span>زایش</span> <span>را</span> <span>انجام</span> <span>می</span> <span>دهند</span>، <span>آن</span> <span>چه</span> <span>برای</span> <span>انسان</span> <span>انسانی</span> <span>سرویش</span> <span>سازی</span> <span>بود</span> <span>و</span> <span>این</span> <span>واقعیت</span> <span>بود</span> <span>که</span> <span>مادری</span> <span>به</span> <span>کار</span> <span>منجر</span> <span>شد</span>، <span>و</span> <span>با</span> <span>هم</span> <span>امیزی</span> <span>مادری</span> <span>و</span> <span>کار</span> <span>بود</span> <span>که</span> <span>نخستین</span> <span>سیستم</span> <span>اجتماعی</span> <span>پایه</span> <span>گذاری</span> <span>شد</span> <span>(همان: ۵۶)</span>.</span></div></div>

اول زنان با بهره مدنی از موهبت و بخش بیولوژیکی طبیعت پیش آمده اند، و بعدها مردان بابرخورداری از آنچه‌چهارچوب فرایندهای واقعی تاریخی بحث نمایم. غیر علمی و بیوج است. در طول تاریخ در برتری زن و مرد یک نوع کشمکش و وژرنه‌گی روی زده است. یعنی اول زنان با بهره مدنی از موهبت و بخش بیولوژیکی کار زایش را انجام می‌دهند. آن‌چه برای انسان انسانی سرویش‌سازی بود این واقعیت بود که مادری به کار منجر شد، و با هم امیزی مادری و کار بود که نخستین سیستم اجتماعی پایه گذاری شد (همان: ۵۶).

پس از روی شواهد علمی و به نقل از بولین رید گفته می‌توانیم که «این مادران (زنان) بودند که برای نخستین بار کار کردن را در پیش گرفتند و در نتیجه‌را رسیدن به اساتیت را نمایاندند. آن‌ها تولید کننده‌گان، کارگران و کشاورزان اصلی بودند، یعنی پیشروان زندگی علمی، فرهنگی و روشن‌فکری زنان در همه این رشته‌ها آغازگر شدند، تنها با این دلیل که مادر بود و مادری با کار درآریخته بود. این هم امیزی هنوز در

<div>جامعه</div>	
<span></span> <div>یک ریچانه رها</div>	

## چهار سال زندگی در خوابگاه دانشگاه کابل

خلاصه این که دانشگاه کابل و در پی آن خوابگاه که در فضای دانشگاه کابل موقعیت دارد تصویری روشن و کاملی است از افغانستان واقعی امروزی، سرگرمی، فساد می‌کنند، می‌زدند، می‌پرند و به خواست خودشان برای خود می‌آورد. به طور نمونه؛ در یک دانشگاهک چند استاد و کارمند از یک فامیل مصرف اند به غارت، چپاول، حاکمیت طالبانی و هزاران سخن پنهان و پوشیده‌ای دیگر. در خوابگاه نیز اکثریت از کارمندان یا عروس مدیره بودند یا دختر مامایش و یا هم خواهر و دختر روستان نزدیک‌اش.

تنها دانش‌جو نبودند، در طول چند سالی که در خوابگاه بودم بارها کارمندان زیر دست و مملعه‌های که دوستی نزدیک با مدیره و یا امریت خوابگاه نداشتند، یا سن از بد رفتاری و کارهای غیر قانونی مدیره و امریت خوابگاه‌ها سخن می‌گفتند. ما زنان را در جنبش تبسم و جنبش وشنابیی دیدیم؛ این‌ها وقتی آمدند صدا بلند کردند. این عدالت خواهی نه مردانه بود و نه زنانه. بلکه صداهایی بود که برای حقوق انسانی و انسانی زندگی کردن، بلند شدند. تمام تلاش‌ها این بود که جامعه‌ای بسازند تا در آن عدالت برای همه وجود داشته باشد. **درصحنه۲**

زبان مردمان بادی نوقی مانده، در آن زبان‌ها واژه مادر برابر ما تولید گر و زایش گر است. (رید: ۶۰) در نتیجه اگر درباره برتری مردان یا زنان در خارج از چهارچوب فرایندهای واقعی تاریخی بحث نمایم. غیر علمی و بیوج است. در طول تاریخ در برتری زن و مرد یک نوع کشمکش و وژرنه‌گی روی زده است. یعنی اول زنان با بهره مدنی از موهبت و بخش بیولوژیکی طبیعت پیش آمده اند، و بعدها مردان بابرخورداری از آنچه‌چهارچوب فرایندهای واقعی تاریخی بحث نمایم. غیر علمی و بیوج است. در طول تاریخ در برتری زن و مرد یک نوع کشمکش و وژرنه‌گی روی زده است. یعنی اول زنان با بهره مدنی از موهبت و بخش بیولوژیکی کار زایش را انجام می‌دهند. آن‌چه برای انسان انسانی سرویش‌سازی بود این واقعیت بود که زنان به وجود آورده بودند؛ برای درک این واقعیت‌های تاریخی باید بگوئیم که به نام داوری خود سرانه که از سوی احساس امرآنی با پیش داوری باشند نتیجه‌یافته‌اند این افسانه که «زنان به طور طبیعی در ره دست‌تری از مردان قرار دارند، یا جنس دوم هستند، دوری نمایم.

۳- عارفی، مجتبی. (۱۳۸۲). تاریخچه علم باستانشناسی. کابل: انتشارات، پوهنتون کابل ۴- رید، بولین. (۱۳۸۲). آزادی زنان، افشنگ مقصدوی. تهران، ناشر: گل آزین.



ما تلاش کنیم که نگاه مردانه سازی و زنانه سازی را در سیستم اجتماعی به وجود نیاوریم. نگاه انسانی و انسان مدارانه را تقویت کنیم. شما ببینید، وقتی می‌گویند وزارت امور زنان؛ یعنی این که ما آن را از جامعه‌ای انسانی جدا ساختیم. من پیشنهاد می‌کنم به جای این‌که شما وزارت امور زنان ایجاد می‌کنید، بیاپید بعضی از وزارت خانه‌ها را به زنان، واگذار کنید و تعدادی از ریاست‌ها را به زنان واگذار کنید. زنان امروز؛ زمانی قابل ترجم نیستند، بلکه لیاقت، علمیت و تخصص فوق العاده‌ی دارند. این زنان کسانی اند که از کشورهای مختلف سندهای علمی و تخصصی دارند. اما می‌بینم که در پست‌های بسیار محدود استخدام می‌شوند. زنان شایسته در سطوح بالای حکومت نمی‌بایند. متأسفانه شما شاهد یک‌سری تاپوها و انحصارگرایی‌هایی در قدرت و هرم حاکمیت هستید. در بعضی موارد زنان ضعیف در راس یک ارگان قرار می‌گیرند، چون شایسته‌گی ندارند که در مسنگاه حکومت چالش اصلاحی ایجاد نمی‌کند، و آن‌ها نمی‌توانند نمایندگی قوی و واقعی از حقوق زنان داشته باشند. این‌ها موضوعاتی است که باید بررسی شوند تا بفهمیم که زن قوی، با اراده و زنی که تعهداتی دارد، در جامعه‌ای مثل افغانستان؛ چه‌گونه کار می‌کند.

ما تقدیر می‌کنیم از زنانی که کار کرده اند. جان فشانی و مبارزات داشته‌اند، برای تثبیت حضور زنان و مبارزات زنانه. این‌ها نورم نتیجه‌ی این مبارزات روند انسانی سازی جامعه، به جای مردانه سازی یا زنانه سازی را تقویت کند و برجسته نماید. متأسفانه شما می‌بینید که در پانزده سال گذشته، نگاه تساری و جندر همیشه برای پولی در پروژه و در افغانستان بوده‌است. اما جایگاه زن امروز، نسبی پروژه‌های خارجی و نهاد سازی‌های داخلی توسط، بلکه نتیجه‌ی تلاش‌های زنانی هستند که واقعن برای هویت زنان، برای تخصصی شدن کار زنان، بر گسترش حضور زنان و انسانی سازی جامعه، تلاش کردند، و آن هم در جامعه‌ی کاملن مرد گرانده و فرهنگ زرخشی که فقط ظلم در آن تعریف شده می‌تواند، زمانی‌که در این کشور فراموشی شده‌اند،

<div>داستان</div>
<span></span> <div>یک معزوغوری</div>

هم‌جنس گراییانه، زیست شناسانه و فرا مدرن آن، پرداخته می‌شوند. بنیاد فلسفی و مرجع‌های اصلی جریان‌های فمینیستی مارکسیستی، سوسیالیستی، و لیبرالیستی جنبه‌های روانی، زیستی و جنسی، بوده‌اند که با عقیم ماندن این جنبش‌ها در به فکر رساندن مطالعات انسانی، هویت و شناخت افرادمردن آن بزینام «جندر یا جنسیت ۲ مورد توجه قرارگرفته است.

## میکانیزمی برای جریان سازی جنسیت

با شناخت و تفکیک هویت و نقش زن و مرد، هویت، تفسیری است که فرد از خود دارد و با فهم و بیان آن نشانه‌ها، خود را از دیگران متمایز می‌سازد. نقش؛ الگوهای رفتاری زن و مرد است که در اجتماع انجام و تبیین می‌شود تا وجود و تاثیرگرزاری هر یک در محیط پیرامون اثبات و متجلی گردد.
زمانه‌ی ما؛ عصری برای شناخت هویت و تفکیک نقش‌هاست. تنها در برنو شناخت هویت و تفکیک نقش‌ها، مراتب مسوولیت انسانی و مدارح نقش‌های جنسیتی قابل مطالعه، بررسی و شناسایی می‌باشند. هویت و نقش جنسیتی مهم‌ترین و بنیاده‌ی ترین نشانه‌ی شناخت و اثرگرزاری زن و مرد در محیط پیرامون است که نسبت به نیاها و خواسته‌های جامعه‌ی انسانی، فرایند پاسخ یابی و پاسخ گویی دو جنس به حیث عناصرتشکیل دهنده و سازنده‌ی آن، میسر می‌گردد. زن و مرد دوعنصر اصلی و نهادی برای ساخت جامعه‌ی انسانی شمرده می‌شوند که برای رشد و سعادت آن، به صورت موازی به نقش افرینی می‌پردازند. سخن دیگر، زن و مرد با وجود برابری در خلقت، به دلیل تفاوت در طبیعت، نقش‌های متفاوت، موازی و متکامل با یکدیگر، ایفا می‌نمایند تا ساخت یکسر جامعه‌ی انسانی شکل بگیرد و به کمال برسد. چنان‌چه ساختمان مستحکم و زیسا و یک سیستم فعال و کارآمد، متشکل از عناصر متنوع با نقش‌های متفاوت برای هدف واحدی شکل می‌گیرند و نیازها و خواسته‌ها را تأمین می‌نمایند.

هویت و نقش زن و مرد، از حیث عناصر تشکیل دهنده و به کمال رسانده‌ی جامعه‌ی انسانی، در سیر تحولات تاریخی در جغرافیاهای سیاسی با وضعیت‌های متفاوتی قابل مطالعه، بررسی و شناسایی می‌باشند. در آموزش‌های تقلیدی جنسیت باهدف برقراری عدالت در روابط زن و مرد در جهت رفع تبعیض جنسیتی که ازغرب منتقل شده‌اند، به شکل‌ها و نمادهایی ازجریان‌ها و جنبش‌های انسانی، زیر نام موج‌های اول، دوم و سوم فمینیستی و تحت تأثیر افکار فلسفی مارکسیستی، سوسیالیستی و لیبرالیستی درغرب، بدون توجه به جوانب روان‌کوانه،

● Monday ● January 22, 2018

● Vol. 1 ● No. 20

نمونه‌اش فرخنده را نام می‌بریم. قتل فجیع فرخنده نتیجه‌ی حمل مردان افغانستان است که نام خود را مرد می‌گذارند و به نام غیرت، ناموس و شریعت می‌آیند یک انسان را بدون این‌که گناهش ثابت شود را اتکه تکه می‌کنند، زیر موتر می‌اندازند و آتش می‌زنند؛ این جامعه‌ی ماست. کشته شدن فرخنده نشان داد که زیر پست بسیار نرم و آزادی خواه بعضی از مردان، چهره‌های خشن و کهنه‌یی وجود دارند که هنوز هم برطرف کردن این لایه‌ها نیازمند کوشش فراوان و طولانی مردان و زنان است.

**تعدادی از مردان جامعه که در بیرون حرف از حقوق بشر، حقوق زن و آزادی خواهی می‌زنند، در اعتراضات مدنی شرکت می‌کنند و در بعضی موارد، تصویرهایی از خود و خانواده‌ی‌شان در صفحات اجتماعی منتشر می‌کنند؛ اما در حلقه‌ی خوادگی خود رفتارهای مفرضانه و غیرانسانی داره، شما این وضعیت را چه‌گونه بررسی می‌کنید؟** عدم باور داشتن به حضور واقعی زنان، در طول هفده سال یکی از شروط کمک‌های جامعه جهانی این بود که حقوق زنان باید رعایت شوند و زنان باید حضور داشته باشند. اکثریت از مردان از این موضوع سو استفاده کردند. نهادهای زیاد زنانه ساختند که رییس شان مردان بودند. این‌ها بخاطر پول و پروژه گرفتن، حضور یک تعداد آنها را به عنوان سمبل در کنار خود شان می‌پذیرفتند و در عین حال خانواده، خاتم و خشن خود شان از همان حق اولیه و آزادی‌های اساسی محروم بودند. چون این مردان باور به حقوق و آزادی اساسی و انسانی نداشتند و نه‌آرند. مردان که به این شیوه فکر می‌کنند، در فضای واقعی کار شان اگر بتوانند هیچ اجزای‌ها به زنان دیگر هم نمی‌دهند. ولی شرایط طوری پیش آمده است که منافع شخصی ایجاد می‌کند که با آزادی خواستن به زنان دیگر و هم‌سایه، منافع شخصی خود را تأمین کند که از این

مورد کم نیستند. اما مردانی هم هستند که باور دارند به آن‌چه که انجام می‌دهند. در شرایط بسته و سنتی جامعه‌ی امروز یک مرد عکس می‌گذارد با خاتم یا فرزندانش، این یک رسک بزرگ است. چون در مقابل بسیاری از قضاوت‌ها و تصمیم قرار می‌گیرد. اما قبول می‌کند و می‌خواهد نشان بدهند که به حضور واقعی زنان و اطرافیان خودشان باور دارد و افتخار می‌کند.

**جناب ناقد، خود تان برای تحقق عدالت جنسیتی**

● سال اول ● شماره ۲۰ ● دوشنبه ۲۰ دلو ۱۳۹۶

<div>چندگسبو</div>
<div><div>یک کوبه سرنگ</div></div>

<span>میان من و زندگی همیشه فاصله‌یی است</span>
<span>فاصله‌یی که مرا به گریز و ما می‌دارد</span>
<span>به گریزی که در خلوت تا مهربان خودم</span>
<span>عطش این فاصله را عاطفه‌ی باران سیراب خواهد کرد</span>
<span>و گیسوان مرا</span>
<span>دستی که بوی رهایی هدد</span>
<span>میان من و زندگی همیشه فاصله‌یی است</span>
<span>مثل سنگ‌راهی که قهیرمانش فاتحانه در گریز اند</span>
<span>و سرزمین‌های که تقویمش با شرم تاریخ آلوده نیست</span>
<span>و انتظار پایان فاصله</span>
<span>بنیاد آدم دیگری‌ست که</span>
<span>حتا</span>
<span>جنگل‌های آمازون را مصون نمی‌گذارد</span>
<span>باید بی‌گریزم</span>
<span>تا</span>
<span>فاصله را بردارم</span>
<span>و جهان را به آتش بکشم</span>

قرانت‌هایی به نام دین که از زبان عالم دین بیرون می‌شود و در جامعه تفسیر پیدا می‌شود، سروشست آنان را رقم بزند. اسلام حق و حقوق بسیار خوبی برای زنان دارد، اما حرفی به قصد آن هم عملی نمی‌شود. اکثری از زنان در این خصوص یا ایزدی برای گفتن نه‌آرند یا گلن بند گرابی را رد می‌کنند. به همین شکل مردان به خاطر عدم آگاهی شان هیچ وقت نتوانسته‌اند ندنای زنان را درک کنند و در این خصوص آثار مکتوب را بخوانند. شاید کمتر مدتی تا آنانی که ادعای روشن‌فکری دارند، جسد دوم سیمین دیوهار را خوانده باشند یا زنان مطرح جهان را مطالعه کرده باشند و خواسته‌ها و مفکوره‌های آنان را درک کرده باشند. اگر مرد و زن به عنوان انسان‌های که هر دو در یک شاه راه زندگی قرار دارند و برای بهتر زیستن تلاش کنند، مهدیگر را حمایت کنند، با هم موفق می‌شوند و این باهمی است که می‌توانند ما را به یک جامعه‌ی مرفه و توسعه یافته برساند.

<span><span></span></span>
----------------------------

به تنهایی می‌تواند الگوی اعجاب‌انگیز و مکانیزم تحول‌برانگیز، برای ارتقای ایفای نقش جنسیت در جامعه و کشورباشد.
بانویی فرهیخته و توان‌مندی از ساکایی‌ها (اسکان وفادار و اصلی سرزمین ما) در حد از نفوذ اجتماعی و اقتدار سیاسی می‌رسد که فرماندهی ارتش هزارها نفری را به عهده می‌گیرد و در یک نبرد حیرت برانگیز؛ شاه مستبد، ظالم وستم‌گرای (کوروش هخامنشی) را دست‌گیری‌کند و به نشانه‌ی اجزای عدالت، سر او را به جرم خون آشامی‌اش، برای عبرت در شمشک از خون فارمی‌دهد. این افزایا همه نشانه‌های از وجود سوزدها و بتانسیل‌هایی الهام دهنده و برانگیزاننده برای بومی شدن و فرهنگی کردن جریان سازی جنسیت و توان بویایی در حوزه فرهنگی و تمدنی خوراسان شمرده می‌شوند؛ و به درستی می‌توانند در برقراری روابط عادلانه بین زن و مرد و برجسته‌ی انواع تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی و طبقاتی، متمر ثمر واقع شوند.
جهت دستیابی به این مهم؛ پیش‌نیاز می‌گردد که وجود جنسیت را با ایفای نقش جنسیتی و تاثیرگرزاری در محیط پیرامون به اثبات برسانیم. ثابت سازی جنسیت و اثبات‌گرایی نقش‌های جنسیتی ممکن نمی‌شود مگر این‌که از ۱۴۱۲ م) در کورن فرانسه به دنیا آید و در سال ۱۹ ساگی به جرم اهانت به مقدسات توسط لام‌های مسیحی در آتش سوزانده شد.
هزاران نفر مومن جاهل، مراسم سوختن او را تماشا می‌کردند تا کشش‌ها، خاکستر سرد او را به دریای «سن» ریختند. امروز در بانصد منتری ارگ ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در کابل، اندرک دیگری به نام فرخنده به اتهام اهانت به مقدسات به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل می‌رسد و جان بی‌جانش در شعله‌های آتش چالاکت خاکستری‌شود. امیدوارم که با احساس مسئولیت و تلاش انسان‌های با کرامت، روند پرشکاب پرگشت به گذشته (از ۲۰۱۸) بحدی که با این عرص فراترچده به قرون وسطا، منقوف و فرصت‌های بشرف‌ت و نیل به جامعه‌ی متجدد و آهنگ رسیدن به عصر فرا تجدد، فراهم گردد.

بومی و تاریخی جامعه و کشور خود برای جریان سازی «جنسیت» یا «توان بویایی» بهره بگیریم. مثل این‌که؛ اصولن اسلام به حیث متکفل تبیین ال‌اهلیات برخوردار ی زن و مرد، از منزلت یکسان انسانی در خلقت و ارزش برابر در کرامت، با هدف تأمین رسیدن به رستگاری و سعادت، دین و برنامه‌ی جنسیتی است که با الهام از راهنمایی‌های خداوند در فرایند تفکر و مبارزه‌ی «حضرت محمده» به نمایندگی از جنس مرد، و هم‌فکری رهبرانی «حضرت خدیجه» به نمایندگی از جنس زن، برای برطرف کردن انواع تبعیض جنسیتی، قومیتی و طبقاتی ظهور کرد و در مبارزه با این تبعیض‌ها گسترش و شهرت پیدا نمود. که متأسفانه امروزه عصبیت‌های قبیلی‌ی به اثر مانده از دوره‌ی بربریت عربی، برآموزه‌های فرهنگی انسان منشی جنسیتی که فلسفه‌ی اسلام و هدف پیامبر بود، چیره شده و اسلام را به انحراف کشانده می‌نقش گوهرشاد در فرایند تجلی و شهرت رنسانس فرهنگی شرق؛ و خلق فرهنگ و تمدن، با نشانه‌های اده، هنر و معماری، الگوی رفتاری جنسیتی تابنده و شتابنده در حوزه‌ی فرهنگی و تمدنی خوراسان بزرگ، و پیامبر باستان محسوب می‌شود. این نقش ارزش‌منسب، ایجاد می‌کند و الزام می‌آورد که می‌بایست گروه فکری‌یی، برای گوهرشاد شناسی تشکیل شود و نقش بالنده‌ی او را به حیث الگوی مناسب جنسیتی، به دانش‌جویان و جنست‌مندان تبیین و متلورنمایند، تا بدین ترتیب میدان مطالعه و بررسی برای شناخت شناسی دیگر بانوان مبارز جامعه و کشور، فراهم گردد. شناخت سلطان رضیه غوری در برخورداری از نقش برجسته و تابنده در فریض فرماندهی و رهبری تحولات اجتماعی و سیاسی تاریخی، می‌تواند برای تقویت بومی سازی فرهنگ جنسیتی، سوز و الگوی مناسب دیگری قرار گیرد. که تشکیل گروه فکری در توضیح، تفسیر و تولید متون علمی برای ارتقای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی بانوان این سرزمین، می‌تواند بهتر و بیش‌تر موثر و کارگر افتد.
مؤثرست از اهمیت نقش ممتاز محل در مدیریت و رهبری امپراتور بزرگ بایری و اقتدار جهانی اکبرشاه، چنان خلاصیت و توانمندی است که ماهیت اولین نماد مدرنیسم برانگیزم برده‌باری دینی وعدالت مدارتورنظمی اجتماعی درتاریخ جهان، با نشانه‌های خلق و توسعه‌ی اثرهای ادبی، هنری و معماری ماندگارایی‌شود و محمداکبر به شاه جهان شهرت پیدا می‌کند. به پاس نقش پاینده و مه‌انگیزش، تاج محل به مظهری از عجایب دنیا، به نام و یاد او نهاده می‌شود و در سواحل رود تاریخ تا ابد به جریان می‌افتد که

<sup>[1]</sup> به تنهایی می‌تواند الگوی اعجاب‌انگیز و مکانیزم تحول‌برانگیز، برای ارتقای ایفای نقش جنسیت در جامعه و کشورباشد



Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۲۰ • دوشنبه ۲ دلو ۱۳۹۶  
Monday • January 22, 2018  
Vol. 1 • No. 20



خوانندگان عزیز، نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته ها از صاحبان نظر را منتشر می کند. صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشنیان  
سردبیر: ریحانه رها  
گزارشگر: امته امید  
عکاس: نیلوفر نیکپور  
مشاور برنامه ریزی: مریم شاهی  
زیر نظر هیئت تحریر  
بجز رویکرد نیمرخ سایر نوشته ها مسئولیتش به دوش نویسندگان می باشد.  
هفته نامه نیمرخ  
در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
شماره تماس: ۰۷۸۶۶۷۷۵۹۹  
آدرس الکترونیکی:  
nimrokhweekly7@gmail.com

تحلیل

محمد رحمان احمدی

نگرش تاریخی در مورد زنان



زنان جز لاینفکی از نظام هستند و نیمی از پیکره جامعه را تشکیل م دهند. این کمیت آنان در رابطه با سهم ایشان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بسیار نابرابر است. این قشر همواره در معرض شدیدترین برخورد قرار داشته اند. در طول تاریخ از سوی افراد حاکم بالای آنان ظلم صورت گرفته است. از یک سو تحت سیطره عوامل سودجوی حاکم بر جامعه بود و از سوی دیگر مورد خشم و ستم مردان همان جامعه قرار می گرفتند. یا به قول دیگر در وضع برحال؛ هم کارفرمایند و هم بهره کشی می کنند و هم در خانه از طریق برده گی خانواده گی ستم می بینند. بدین سبب جا دارد که تازه باید در مورد فعالیت های نقش زنان در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی به روشن گری بپردازیم. نویسندگان پیشین همواره سابقه واقعی و دست آورد آنان را نا چیز جلوه داده، آنان را دست کم گرفته، کارکردهای آنان را تحریف کرده اند. درست با همان شیوه و با همان دلایل که کوشش ها و پیروزی های کارگران و اقلیت های ستم دیده کشور را نا دیده گرفته اند. جایگاه این قشر را نه در تحول سیاسی بیان داشته و نه در ساختار و تحول اجتماعی، که نهایت ضعف تاریخ نگاران را نشان می دهد.

زنان همواره از بدو تاریخ پیدایش انسان در روی زمین الی حال فعالیت های نهایت چشم گیری در تمام عرصه ها داشته و فعالیت های نوین خویش را در طول تاریخ به نمایش گذاشته است. اما شوربختانه از فعالیت های آنان یاد نه شده، اگر یاد شده هم تمام فعالیت های آنان را دست آورد مردان خوانده و درج اوراق تاریخ نموده است.

از روی مطالعات و کاوش های علم باستان شناسی به وضاحت دیده می شود که زنان در فعالیت های اقتصادی خانواده نقش برجسته ای داشته است. مردان اغلب برای شکار از خانه بیرون می شدند، زنان از دست داس ها و یا هم از چوب های دراز نوک تیز در نزدیکی های منزلش برای بیرون آوردن ریشه های نباتات و علوفه های که قابل خوردن بود می پرداخت. مردان وقتی که از شکار باز می گشتند، با خود چیزی را می آوردند و یا هم نصیب آن نمی شد و دست خالی باز می گشتند. زنان بودند که برای آنان غذا از جنس علوفه های طبیعی و کوهی که با دست داس های

خود بیرون آورده بود می آورد. و یا هم از گوشت آورده شده ای شکار غذای را تهیه می کرد. پس گفته می توانیم که این زنان بودند که برای آنان توشه و غذا را آماده می ساختند. زنان در اهلی سازی حیوانات وحشی نیز نقش برانزده دارند. به وضاحت چنین باید گفت که برای اولین بار زنان اقدام به اهلی سازی حیوانات نموده است. چون مردان شکاری از کوه و دشت ها آن ها را وحشی می آوردند، تا بعد از اتمام ذخیره انبار تمهه اش بکشند. اما زنان با آن همه مهربانی که داشتند و دارند حیوانات شکار شده ی زنده را در مکانی نگاه می کردند، نوازش می دادند و با هم در صورت کوچک بودن حیوان چون گوسفند به وی شیر می دادند. مردان شان دوباره به فعالیت گردآوری و شکار باز می گشتند و از اهلی سازی آنان بی خبر بودند. همین طور مسایل کشف آتش نیز برای اولین بار توسط زنان در عرصه فعالیت های بشر پیاده گشت. چون فعالیت های یخت و یز به دست زنان بوده. از این سبب گفته می توانیم که زنان نقش برانزده ای در کشف آتش نیز داشته است. چنان چه در این مورد عارفی در کتابش آورده است «بعد از دوره مستورین، شکار مخصوص مردان، جمع آوری میوه ها و علوفه های وحشی مربوط زنان و ساخت ابزار مربوط پییره مردان بود» (عارفی، ۱۳۸۳: ۱۷).

در دوره قدیم نخستین پیشرفت اجتماعی، این زنان بودند که بشریت را از قلمرو حیوانات بیرون کشیدند. از آنجایی که برداشتن نخستین گام سخت ترین مرحله است، نا گریزیم کار و نقش اجتماعی و اقتصادی زنان را سرنوشت ساز ارزیابی کنیم. دست آوردهای آن ها در رشته های تولید (اقتصادی)، فرهنگی و زندگی روشن فکری تمدن را امکان پذیر ساخت. اگرچه صدها هزار سال لازم بود تا زنان بنیاد اجتماعی را بدین شیوه برقرار کنند، اما چنان استوار و خوب پایه گذاری کردند که در کم تر از چهار هزار سال شهر نشینی و تمدن به شکل امروزی و معاصر خود درآمد و رنگ بوی مدرنیته شدن را به خود گرفت. از جمله بزرگترین نقش زنان را می توان زاینده گی و پرورش دهی یاد کرد.

بسیاری از دانش مندان و انسان شناسان مانند گوردن چاپلید، سرجمز فریزر و میسون به این باور اند که؛ «زنان نقش مهمی در تعالی بخشیدن به نوع بشر برای خروج از اقتصاد بدوی، ساده بازی کرده است. به طور خلاصه در دوره که مردان تمام وقت شکارگر و جنگجو بودند، زنان بیش تر ابزارهای پایه ای، مهارت ها و تکنیک ها را در نقطه آغاز پیشرفت های اجتماعی به وجود آوردند. از جمع آوری مواد غذایی به باغبانی و سبزی کاری و سپس به کشاورزی رسیدند. از میان هنرهای کار دستی گوناگون مانند: سفالگری، چرم سازی، پارچه بافی و خانه سازی را پیشه ی خود ساخته بودند. آنان پایه های گیاه شناسی، شیمی،

دو سازی و سایر شاخه ی دانش های علمی را نیز به وجود آوردند» (رید، ۱۳۸۳: ۴۰).

انگلس به این باور است که «تمام جامعه در دو پایه استوار است که عبارت از قدرت تولید و قدرت زایش می باشد». در این جا به دو واژه هم گون (زایش و تولید) برخورد می کنیم، اما منظور انگلس را به خوبی دریافت می توانیم که هدف انگلس از این دو قدرت همانا زنان می باشد. اما در جای دیگری همین دانش مند و انسان شناس چنین می گوید: «در اثر فعالیت های تولید بود که نوع بشر از دنیای حیوانی گذر کرد». که باز هم جمله تمجید کننده ی در مورد زنان می باشد. ولی باز هم دیده می شود که زنان تحت قیومیت انسان های مرد قرار دارد و فرودست خوانده می شود. با این همه برای این که ناخوشنودی و شکایت خود را به صراحت بیان کند و خواسته های خود را برای زندگی پر بارتر با نگرش گسترده تر از آن چه هم اکنون در آن محصور هستند، تدوین کند با مشکل رو به رو هستند. این مسئله با چنان میزان و گسترده گی تعجب آور نیست، مسئله زنان تنها گروهی اقلیت را در بر نمی گیرد چون زنان نماینده نیمی از نوع بشر اند. از این گذشته موضوع زنان به حساس ترین و بحث برانگیز ترین مسأله مانند مناسبات جنسی یا پیوندهای خانوادگی و سایر مناسبات خصوصی آدم ها ارتباط دارد.

یکی از بزرگترین موانع نه بود اطلاعات واقعی در باره پیشینه تاریخی زنان و خانواده است. بدین سبب زنان از همه چیز بی خبر مانده و افسانه های را که در باره آن ها بافته اند، می پذیرند. زنان همواره حس می کنند در جایی، به طریقی و از سوی نیروهای که نا مرئی اند دچار قید و بند شده و به وضعیت پست خود رانده شده است. اما نمی دانند که این واقعیت چه گونه پیش آمده است؟ آن چه را باید بدانند این است که ما چه گونه به این وضع کشیده شده ایم؟ و چه کسانی مسوول اند؟

بی جا نه خواهند بود که تاملی روی موضوع علت فرودستی زنان (جنس دوم) داشته باشیم، با اتکا به منابع علمی و کتب معتبر انسان شناسان چنین می آوریم؛ به دلیل گذشته های تاریخی، می توانیم نادرستی این افسانه را که زنان همواره فرودست بوده اند، و جای آن ها در خانه بوده است را ثابت کنیم. چون اگر تیوری مادر سالاری انسان شناس به نام «بری فلت» را با نظریه (کار- بنیادی) یعنی خواست گاه اجتماعی انگلس (زایش و تولید) را روی هم بگذاریم، در می یابیم که نه تنها زنان موجود خانه گی نبودند، بلکه سازنده و نگهبان نخستین سازمان اجتماعی بشر نیز بوده. برای ما همواره روند گذر اجتماع چنین آموختانده است که زنان همیشه جنس فرودست بوده اند. در صفحه ۲

د ننگرهار ولایت په اچین ولسوالۍ کې د ترهکرو پر وړاندې د عملیاتو له ترسره کولو وروسته، افغان کوماندو ځواکونو بشري مرستې چې کمپلې، خوراکي او نور د اړتیا وړ توکي په کې و، د سیمې پر اوسېدونکو وویشل. یوه ځایي اوسېدونکي وویل: افغان امنیتي ځواکونو مور د ترهکرو له زورزیاتي څخه وژغورلو دا دی اوس کوماندو ځواکونو د اړتیا وړ توکي پر مور وویشل هغوی زموږ اتلان دي. نبروهای کماندوی افغان پس از انجام عملیات در برابر تروریستان در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار، کمک های بشر دوستانه که شامل مواد غذایی، کمپل و مواد مورد نیاز می باشد را به باشندگان محل توزیع نمودند. یکی از باشندگان محل گفت: نبروهای امنیتی، ما را در مقابل ظلم و ستم تروریستان محافظت کردند. اکنون نبروهای کماندو، لوازمی را که ما نیاز داشتیم، برای ما توزیع کردند. آنان قهرمانان ما هستند.

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان برای محافظت مردم!

افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونه د خلکو د ساتنې لپاره!